

- ادامه تفسیر آیات سوره مبارکه شوری از آیه ۱۰ تا آیه ۱۳

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ"

### سوره مبارکه شوری

هفته پیش اگر خاطرتون باشه من ۴ تا حجت رو بیان کردم از قول حضرت علامه که برای اینکه ولایت مطلق را برای خداوند قائل باشیم یعنی خداوند ولایت مطلقه داره، با چهار تا حجت این رو گفتیم؛ حجت اول آیه ی "لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۴)" بود و حجت دوم آیه ی "وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى ۗ" بود و حجت سوم "وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" بود و حجت چهارم "فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ" بود. که بحث حکم تشریحی و تکوینی رو باز کردیم، گفتیم از این چهار حجت استفاده کردیم که فقط و فقط ولی مطلق خداست ما غیر از خداوند حق نداریم که ولی دیگری بگیریم اگر گرفتیم باید تبعاتش رو هم قبول بکنیم که من احکام رو هم گفتیم، حکم تکوینی، حکم تشریحی. بعد آخر آیه میگه "ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ" برمیگرده به همون حکایت کلام حضرت رسول هست که خطاب به مشرکین، ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي بعد از اون که اون ۴ تا حجت رو اقامه کرد، رسول گرامی خودش رو خداوند دستور میده که اینجوری بگو ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي که من پیامبر تنها خدا رو ولی خودم میدونم و به ربوبیت او یعنی مالکیت تدبیر برای او اعتراف می کنم. بعد تصریح می کنه عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ خب وقتی که من خدا رو ولی میگیرم و غیر خدا رو به ولایت نمی گیرم دو تا اثر برای من داره یعنی اون چهار تا حکم که ولی گرفتن خدا هست به شکل مطلق ، دو تا اثر برای من داره، یکی اش عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ و دو وَإِلَيْهِ أُنِيبُ. این انابه یعنی رجوع، یعنی رجوع نوبه نوبه، انابه؛ رجوع نوبه نوبه، یعنی دائم به خداوند رجوع کنیم همواره به خداوند رجوع کنیم. خب اگر ولایتمون مربوط به تکوین باشه، نظام تکوین باشه، میشه عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ، یعنی چی؟ ببینید کسی که خدا رو به تنهایی ولی میگیره، وقتی که یکی از اسباب در عالم تکوین کارش درست انجام نمیشه، منقطع میشه اون سبب، خب این شخصی که توکل کرده، که در راس همه ی اینها خود پیامبر گرامی هست، این شخصی که توکل کرده چون به این اسباب و مسببات اعتماد و رکون نداره و خدا رو یگانه سبب میدونه، خدایی که شکست ناپذیره (بحث همون عزیز و حکیم که گفتیم) پس این میشه توکل، یعنی در عالم تکوین ما باید چیکار کنیم؟ توکل کنیم، در عالم تکوین توکل میکنیم. پس اونجا که میگه ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي اون ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي ۴ تا حجت هست، حالا که من اون ۴ تا حجت رو اقامه کردم برای اینکه ولی مطلق خداست، تا اثر داره، در عالم تکوین میشه توکل، یعنی من بنده ای که خدا رو ولی گرفتم، تو این مسیر توکل میکنم در



استحقاق داریم برآورده می‌کنه که امروز بحث دعا رو کاملا دیگه باز کردیم، بصیره، یعنی هر عملی که خلق انجام میده، میبینه، بر طبق عملشون جزا میده و خدا کسی که کلیدهای خزائن آسمانها و زمین رو مالکه، خزینه‌هایی که همه خواص و آثار موجودات در اون ذخیره میشن.

استاد: دوستان آیه بگید راجع به این قضیه؟ راجع به این بحث خزائن یه آیه بفرمایید؟ **بَلْ وَلَّيْهِ خَزَائِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**. استاد: احسنت، احسنت. **وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ** سوره ی حجر هم داریم، سوره ی ص هم داریم. همه خواص و آثار، آثار موجودات در این خزینه‌ها ذخیره میشه، با ظهور آن آثار این ترکیب عالم صورت میگیره، کسی که رزق روزی خوران را می‌دهد، خداست؛ به مقتضای علمش اون رو کم و زیاد میکنه این کلی بود، پس **فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** میشه پدیدآورنده موجودات از عدم، بدون الگو؛ **جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا** بحث نر و ماده بودن انسان هست، **وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا** نر و ماده بودن حیواناته، که چهارپایان بیشتر بهش تاکید داره، به خاطر این که با انسان نزدیکی بیشتری دارند؛ **يَذُرُّكُمْ فِيهِ** یعنی شما رو زیاد میکنه هم انسان، هم حیوان؛ کم اینجا خطاب هم به انسانه و هم به حیوانه. اصطلاحاً میگن قاعده تغلیب، کم برای موجودات عاقله، یعنی مخصوص عقلاست، برای حیوان هم آورده، اینجا زمخشری میگه که قاعده تغلیبه، یعنی از باب غلبه، که انسان برحیوان غلبه داره، ضمیر اون رو آورده؛ **لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ** کاف که در اینجا آمده سر مثله، کاف زائده، بنا بر نظر بیشتر مفسران، برای تاکید معمولاً میاید، کاف زائده. چون اگر زائد نگیریم تو معنی و تو مفهوم و تو تفسیر مشکل پیدا می‌کنیم، **لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ** این ک، رو اگر به معنای مثل بگیریم، میشه مثل مثل خداوند چیزی نیست، که خب، تناقض و دور پیش می‌آید. پس کاف زائده، کاف رو معنی نمیکنیم، جهت تاکید است که توی ادبیات عرب و کلام عرب، خیلی رایجه این قضیه، یعنی کاف زائد می‌آید جهت تاکید، چیز اضافه به مفهومی که ما میگیریم زائد به معنای اضافه اینجا نباید باشه نیست ها، جهت تاکیده اما معنی نمیشه، تو مفهوم آورده نمیشه.

**سوال:** سوال کردند، فرشته‌ها هم زوج اند؟ فرشته‌ها جنسیت ندارند که زوج باشند طبقه طبقه هستند مقامشان با هم متفاوت هست، عالم مجردند.

**وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ** رو هم گفتیم، ببینید حاجت‌های ما و مسئلت‌هایی که خدا داریم مثلاً آیه سوره الرحمن آیه ۲۹ اشاره میکنه **"يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ"**، هر چه که در آسمانها و زمین است از خدا مسئلت دارند، بعد خدا راجع به مسئلت‌های ما که جواب میده آیه داره **"وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ"** سوره ابراهیم آیه ۳۴ هرچی که خواستید خدا بهتون میده **"وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا ..."**، پس ما یه مسئلت ای از خدا داریم و خدا بر اساس اون مسئلت ما و مصلحت ما خواسته ما رو برآورده می‌کنه.

**سوال:** فرق بینا و بصیر چیست؟ پاسخ استاد: بینا فارسیه، بصیر عربیه. ما مفهوم بصیرت رو تو فارسی به بینایی گاه ترجمه می‌کنیم ولی معنا کامل نمیشه. بصیر کسی هست که با فؤادش میبینه، ما این‌ها رو تو لایه‌های فطرت عرض کردیم سرکار خانم سعیدی فر، اگر نمیدونم جلسه چندمه؟ جلسه ی هفتم، هشتم باید باشه، تو لایه‌های فطرت، گفتیم که کسی که فؤادش قوی باشه بصیره. یعنی یک دریافت قلبی که یکی از لایه‌های قلب ما هست یا لایه‌های دل ما هست فواده، درونی‌ترین لایه است و بصیرت از اونجا میاد، بینایی اگر تو در فارسی بخوایم مستقیم بصیرت رو بیاریم، نمیرسونه این معنی رو، یه خورده ناقص هست از لحاظ مفهومی.

"لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ" مقالید جمع اقلید هست، اقلید همان، مُعَرَّب کلیلد هست، یعنی این کلمه واژه دخیل در قرآن هست. مقالید جمع اقلید، اقلید معرب کلیلد، مقالیدم که جمع الجمع هست دیگه مفاعیل، پس میم جزو ریشه نیست. مقالید یعنی همون مفاتیح، مفتاح، کلیدها، کلیدها و اینکه برای آسمانها و زمین کلیلد اثبات میکنه، دلالت بر این دارد که آسمان ها و زمین گنجینه هایی هستند، عین عبارت علامه را دارم میخونم گنجینه ای هستند برای آنچه که در عالم به ظهور می رسه و آنچه که از حوادث و آثار وجودی که به وقوع می پیونده. حتماً، پس آسمانها و زمین مانند یک گنجینه حساب می شوند، تصور میشوند که یک کلیدی دارند، که کلیدش دست خداست هر چی که حادثه و آثاره، هرچیزی که هست، داخل این گنجینه هاست.

"يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ" بسط رزق یعنی توسعه رزق؛ یقدر، یعنی پهن کردن رزق، رزق هم یعنی هر چیزی که بقا روزی خوار و مرزوق به اون بسته است یعنی بقا مرزوق، قائم به وجود رازقه و رزق. بله کنایه از مالکیت و سلطه بر چیزی. له خبر مقدمه و لام ملکیته. دقیقاً. بعد می فرماید که مسئله رزق و وسعت و تنگی از روی جهل نیست این که خدا یک رزقی رو بسط میده و یه رزقی رو تنگ میکنه، همه از روی علمه، گفتیم یکی از شاخه های علم هم میتونه باشه. خدایی که عالمه به هر چیزی هست، میدونه که به هر مرزوقی چه رزقی بده، چه رزقی بده و چقدر بده. همونقدر که حال مرزوق اقتضا میکنه و اون رزقی رو بده که حال رزق اقتضا داره به اون مرزوق برسه، یعنی اینکه همون رزقه مهمه هم مرزوق و رازقی که اینجا خدای عالم هست میدونه که چه اندازه رزق بر اساس حال رزق و کی و چه میزان به مرزوق بر اساس حال مرزوق عطا بکنه. حتی اوضاع و احوال خارجی رو هم خداوند با استفاده از علم مطلقش لحاظ میکنه که بهش میگی حکمت.

**سوال:** سوال کردند که آیا درباره ی سوره ی یاسین هست؟ سرکار خانم سعیدی فر هم پی دی اف مطالب توی کانال هست، هم صوت. جهت راهنمایی عرض کردم خدمتتان از جلسه ی اول اگر بارگذاری بفرمایید، پی دی اف ها هم هست کمک تان می کنه.

من هم اینجا عرایضم را به اتمام می رسانم و کسب و جاهت می کنیم از حضرات معصومین علیهم السلام به خصوص از امام حسین علیه السلام.

اللهم وجعلنا وجيها بالحسين عليه السلام في الدنيا و الاخره.